

کتاب سیزدهم

من دیگرما

راهکارهای آماده کردن دختران برای ایفای نقش همسری و مادری

فرزند ما از ما جدا نیست؛ او خود ماست
اما در اندازه‌ای کوچک‌تر

دختران آسمانی وسفران مهربانی



کتاب سیزدهم

من دیگرما

...

دختران آهنی وسفیران مهریانی

راه‌کارهای آماده کردن دختران
برای ایفای نقش همسری و مادری

فرزند ما از ما جدا نیست؛ او خود ماست
اما در اندازه‌ای کوچک‌تر

...



چه افتخاری بالاتر از این؟!
پدرت تو را دختری می دانست غرق در ذات خدا!
وقتی داشت به میدان می رفت
تورا دید که در گوشه‌ای نشسته‌ای
و قطره‌های اشک می غلتند روی گونه‌ات.
چه کار کرده بودی با دلش که تو را در آغوش کشید
و با دستان خسته‌اش، اشک از صورتت پاک کرد و گفت:
«تا جان در بدن دارم، با اشک حسرت دلم را آتش نزن»؟
چیزی نگذشت که نیکی پدر را پاسخ گفتی
و در کنار قتلگاه، او را در آغوش کشیدی.
کاش کسی نمی نوشت چگونه تو را از پدر جدا کردند!

نقدیم به | دختر با فضیلت کربلا، سکینه علیها السلام!

فهرست من‌دیگرما/کتاب سیزدهم

۱۱ • مقدمه

بخش اول

حرف‌هایی که جنسشان طلاست

- ۲۱ • فصل اول زن، جامعه، تعالی
- ۲۴ • دلایل طرفداران ضرورت تحصیل درمادری و همسری موفق
- ۲۵ • پیش‌نیازهای مادری و همسری موفق
- ۳۳ • نقد دلیل اول: تحصیل رسمی و شناخت بهتر از جامعه
- ۳۷ • نقد دلیل دوم: تحصیل رسمی و آگاهی بیشتر از تربیت
- ۳۸ • نقد دلیل سوم: تحصیل رسمی و جایگاه اجتماعی زن
- ۴۳ • نقد دلیل چهارم: تحصیل رسمی و جایگاه خانوادگی زن
- ۴۷ • نقد دلیل پنجم: تحصیل رسمی و اعتماد به نفس دختران
- ۵۴ • معرفت‌اندوزی و تحصیل رسمی
- ۵۶ • یک راهکار ویژه برای تحصیل و ازدواج دختران
- ۶۰ • اشتغال بیرون از خانه و نقش مادری و همسری

۶۵ • فصل دوم انسان و دنیای معنوی

۶۹ • فطرت و تفسیر معنوی از دنیا

۸۱ • فصل سوم زمین و آسمانی

- ۸۴ • الف) الگو و انگیزه بخشی برای عمل
- ۸۴ • ب) الگو و فطری بودن
- ۸۴ • ج) الگو و متعالی بودن
- ۸۴ • د) الگو و معرفی صحیح
- ۸۵ • جنبه الگویی حضرت زهرا علیها السلام
- ۹۲ • نکاتی درباره معرفی شخصیت ماورائی حضرت زهرا علیها السلام

۹۹ • فصل چهارم غرب و فلاکت آخرالزمانی

- ۱۰۴ • ضرورت عبرت‌گیری از الگوهای مادی
- ۱۱۱ • دو مؤلفه اساسی در بررسی فلاکت غرب
- ۱۱۱ • یک. آرامش و غرب
- ۱۱۲ • دو. مهربانی و غرب
- ۱۱۷ • خطر الگو شدن جامعه غربی
- ۱۱۸ • بنی اسرائیل والگوی منحرف
- ۱۲۲ • ضرورت نقد تمدن غربی
- ۱۲۴ • خطر الگو شدن ستاره‌های غربی

۱۲۹ • فصل پنجم انسان و زندگی ابدی

- ۱۳۵ • بچه‌ها و فهم معاد
- ۱۳۷ • چند سؤال مهم در باره معاد و فرزندان
- ۱۳۸ • فطرت و ابدیت
- ۱۴۰ • نوجوان و قلّه‌های معنوی
- ۱۴۱ • الگوهای نوجوان معنوی در دنیای معاصر
- ۱۴۱ • شهید بهنام محمدی
- ۱۴۴ • شهید محمد حسین فهمیده
- ۱۴۷ • شهید علی لندی
- ۱۴۹ • شهید رضا پناهی
- ۱۵۴ • مهارت‌های گفتگو در باره معاد

بخش دوم

کارهایی که کارشان شفاست

- ۱۵۹ • تأثیر رفتار والدین بر علاقه دخترها به مادری و همسری
- ۱۶۱ • چند سؤال کلیدی در باره رفتارهای خودمان
- ۱۶۴ • مروری بر گزاره‌های تصویری شیرین

بخش سوم

کارکردنی که چون دواست

- ۱۷۱ • نکاتی در باره خلق خاطرات خوب از کار در خانه

بخش چهارم
گفتن و نوشتن که پُربهاست

• ۱۷۹ نتایج فکر کردن برای نوشتن درباره مادری و همسری

بخش پنجم
وصلت مبارکی که کیمیاست

• ۱۸۸ نکته‌هایی درباره احساس نیاز به ازدواج
• ۱۹۲ به تأخیر انداختن ازدواج و آمادگی برای زندگی!؟

• ۱۹۹ آنچه خواندید
• ۲۰۵ آنچه در کتاب بعدی خواهید خواند
• ۲۰۶ حرف آخر
• ۲۰۷ منابع

مقدمه

سلام بر تو مادری!

سلام! سلامی به زیبایی همه حرف‌هایی که در نامه‌ات به ما گفتی!

سلامی به گرمی محبتی که از واژه واژه نامه‌ات، دل یخ‌زده‌مان را گرما بخشید!

سلامی به بوی خوشی که از دل سوخته‌ات برخاسته بود و مشام جانمان را معطر کرد!

سلام به همه مهربانی‌ات، به فداکاری‌ات، به باران محبتی که همیشه روی سرمان می‌باری، به حال و هوای بهاری‌ات در همه فصل‌های زندگی!

مادری! تلخی نامه‌ات، برایمان شیرین‌تر از عسل بود. از واژه‌هایت اگر چه دلسوزی می‌بارید، اما هر کدام آنها برای ما چونان پتکی بود که بر سرمان کوبیده می‌شد تا از خوابی گران بیدارمان کند.

برای این همه نامهربانی، ما را به مهربانی خدای عزیزت ببخش!

۱. مقدمه کتاب دوازدهم همین مجموعه با نامه‌ای از «مادری» آغاز شده است. این سطرها پاسخی به نامه «مادری» است.

از وقتی نامه تو را خوانده‌ایم، در اندیشه گره‌های تو در تو و کور
زندگی فرو رفته‌ایم. راست می‌گویی، مادری! ما هر اندازه که تو را از
متن زندگی، به حاشیه راندیم، بیشتر در میان این گره‌های پیچ در
پیچ وا ماندیم.

حضور تو در زندگی، نه به عنوان زنی که انسان می‌زاید، بلکه
به عنوان کانون عاطفه‌ای که جان ما را سیراب می‌کند، مثل آب
حیات است.

ما وقتی از عاطفه خالی می‌شویم، زندگی برایمان تنگ می‌شود.
وقتی می‌خواهیم از این تنگنا خارج شویم، زرق و برق‌ها را زیاد
می‌کنیم؛ اما زرق و برق‌ها به دادم‌مان نمی‌رسند و ما هم به ریشه
دردمان نمی‌رسیم.

آرامش بدون عاطفه بی‌معناست. وقتی در مسکن‌هایمان زن،
ساکن است ولی مادری سکونت ندارد، دیگر نمی‌شود در مسکن‌ها
به دنبال آرامش و سکینه گشت و از همین رو به دنبال مسکن‌های
خیالی می‌رویم.

ما تحصیل و اشتغال را به جای تو نشانیدیم، برای آن که احساس
پیشرفت کنیم. تو را عقب راندیم تا به خیال خاممان عقب نمانیم،
غافل از این که آرامش، نشانه پیشرفت است. جامعه‌ای اگر قلّه قاف را
فتح کند، اما بهره‌ای از آرامش نداشته باشد، عقب‌مانده‌ترین است.
خدا تو را از پیشرفت ما قرار داد و ما تو را پس زدیم و پسرفت کردیم.
مادری! ما را ببخش که سیاه‌نوشته‌های روی کاغذ این دانشگاه
و آن دانشگاه را بر آنچه از سوی خدا در دل تو حک شده بود، ترجیح
دادیم تا جایی که مدرک، قدرت درک ما از مقام مادری را گرفت.
ما را ببخش که مدال افتخاری را که خدا بر گردن مادر انداخته،

فراموش کردیم و مدرکی را که انسانی برای انسانی نوشته است، پیش انداختیم.

ما را ببخش که زنانمان را فرستادیم سرکارهایی که زنانه نبود و با سرکار گذاشتن آنها، حس بالا رفتن را به خیالشان تزریق کردیم، آن قدر که حاضر شدند تو را کنار بزنند و از این پله‌های خیالی بالا بروند. پول که به جیبشان آمد، مست شادی شدند و از فرزندی که می‌توانستند به دنیا بیاورند، فراری.

ما را ببخش که تو را با پول و مدرک سنجیدیم و در این سنجش، تو را سبک‌تر دیدیم.

گناهمان سنگین است، خوب می‌دانیم؛ اما بنا گذاشته‌ایم که بر گردیم.

می‌خواهیم دخترانمان را مهیا کنیم تا مدالی را که منقش به نام توست، برگردنشان بیاویزند و بر همه عالم فخر بفروشند. تقصیر ما بود که دخترانمان تو را فراموش کردند و در پستوی ذهنشان تنهایت گذاشتند. نه جای کتمان مانده و نه جای انکار که ما در تربیت دخترانمان، دچار غفلت بزرگی شدیم. اقرار می‌کنیم، به این امید که خدا این غفلت را بر ما بیخشد.

تو مظهر مهر و محبت خدای جهانیانی. درست می‌گویم؟ خودت گفتی اهل کینه نیستی. هستی؟ و میانه‌ای با سرزنش نداری. داری؟ پس بیا و از حق خویش بگذر و دعایمان کن. ما برای بازگشت به سوی تو و جبران آنچه از دست داده‌ایم، محتاج دعای خیریم. دعای خیر چه کسی گیراتر از توست، مادری؟!

فدای تو
فرزندان شرمسارت

خدا را شکر می‌کنیم که مجموعه «من دیگرمما» به کتاب سیزدهم رسید. در کتاب دوازدهم، از جایگاه مادری و همسری در تربیت دختران سخن گفتیم. اگر حرف‌هایی که در آن کتاب گفتیم مقبول افتاده باشد، باید به این نتیجه رسیده باشیم که در تربیت دخترانمان، پیش‌تر و بیشتر از هر چیزی، آماده شدن آنها برای همسری و مادری را در نظر بگیریم.

پس از این نتیجه مشترک، یک سؤال اساسی پیش می‌آید: برای مهیا شدن دختران برای همسری و مادری، چه کارهایی را باید انجام داد؟

کتاب سیزدهم، خود را موظف می‌داند که به این سؤال پاسخ دهد. پاسخ این سؤال در پنج بخش ارائه می‌شود.

بخش اول کتاب در قالب پنج فصل، به نقش گفتگو در مهیا شدن ذهن دختران برای مادری و همسری می‌پردازد. این بخش تلاش می‌کند مواد لازم برای گفتگو با دختران را برای شما فراهم کند.

در فصل اول این بخش، درباره مطالبی سخن گفته‌ایم که بیانگر نقش مادری و همسری در تعالی و رشد جامعه است.

در فصل دوم، سخنانی را آورده‌ایم که می‌شود در باره تفسیر معنوی دنیا با دختران در میان گذاشت.

در فصل سوم، از گفتگو درباره الگوهای سخن گفته‌ایم که فطری‌اند و توانایی مدیریت تمایلات درونی فرزندانمان را دارند.

در فصل چهارم، به سراغ غرب رفته و گفتگو در باره واقعیت دنیای غرب را موضوع سخن قرار داده‌ایم.

معاد - که مظهر ابدیت است -، از مهم‌ترین کلیدواژه‌های تربیتی است که در همه موضوعات تربیتی، نقشی ویژه ایفا می‌کند. این کلیدواژه، از مهم‌ترین موضوعات گفتگو در باره همسری و مادری است. فصل پنجم، عهده‌دار سخن گفتن در این باره است.

در بخش دوم این کتاب، توجه والدین را به گزاره‌های تصویری، جلب کرده و نقش این گزاره‌ها را در نوع نگاه فرزندان به مادری و همسری بررسی نموده‌ایم.

بخش سوم، به مشارکت دادن دختران در کارهای خانه اختصاص یافته است.

سخن گفتن و نوشتن از سوی فرزندان، هنگامی که با موضوع مادری و همسری همراه می‌شود، نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری و تثبیت نگاه صحیح آنها ایفا می‌کند. این مسئله، موضوع بخش چهارم است.

در بخش پنجم نیز در باره ازدواج و مهیا کردن دختران برای این کار مبارک، سخن گفته‌ایم.

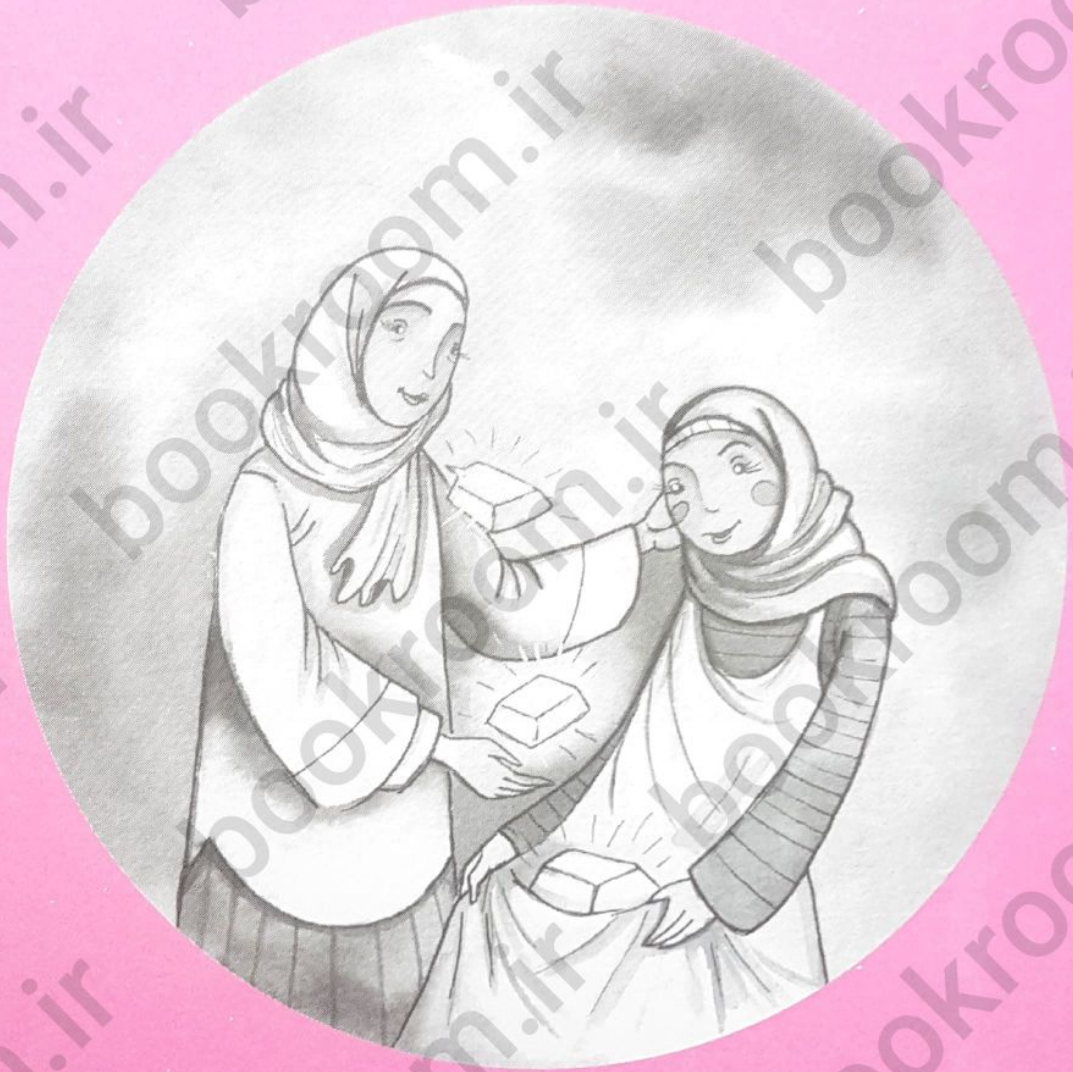
امید است این کتاب توانسته باشد راهی پیش روی شما باز کند تا بتوانید در تربیت دخترانی که همسران و مادران آینده هستند، با آگاهی و مهارت بیشتری گام بردارید.

محسن عباسی ولدی

قم، شهر بانوی کرامت

بهار ۱۳۹۹

• بخش اول •



حرف‌هایی که جنسشان طلاست

گفتگو و نقش آن در آماده شدن دختران برای همسری و مادری

آنچه را که درباره «مادری» و «همسری» گفتیم، با زبان خود بچه‌ها
برایشان بگویید. گفتگو در این باره را دست‌کم نگیرید. در دنیایی
که ذهن بچه‌های ما با مفاهیم ضد همسری و ضد مادری بمباران
می‌شود، اهمیت این گفتگوها دوچندان است.
این حقیقت را هیچ‌گاه فراموش نکنید: بچه‌ها فطرتی پاک
دارند. آنها در سال‌های کودکی و نوجوانی، به راحتی با مفاهیم
فطری ارتباط برقرار می‌کنند. «همسری» و «مادری»، دو مفهوم
فطری‌اند. تا فرصت از دست نرفته است، با استفاده از احادیث
زیبای اهل بیت علیهم‌السلام این مفاهیم را در وجود آنها تثبیت کنید.

• فصل اول •



زن، جامعه، تعالی

گفتگو در باره نقش مادری و همسری در تعالی و رشد جامعه

با دخترتان از نقش یک مادر و همسر فداکار و مهربان در تعالی و رشد جامعه حرف بزنید. بچه‌ها اگر در باره خدمات یک پزشک به جامعه، مطالب زیادی می‌شنوند، باید چند برابر آن در باره خدمات یک همسر و مادر مهربان بشنوند.

فرزندان ما به قدری در این باره کم شنیده‌اند که می‌توان گفت بسیاری از بچه‌ها مادر را قهرمان قصه زندگی نمی‌دانند، در حالی که آنها باید بدانند پشت سر بیشتر آدم‌های موفق، همسر یا مادر مهربان و فداکاری حضور داشته که بدون نقش آفرینی او، این اندازه از موفقیت به دست نمی‌آمد.

حتماً در این جا از قصه‌های واقعی، نهایت استفاده را بکنید. دوست دارم موفق شوم روزی برای دختران این مرز و بوم، چند کتاب قصه در باره مادران فداکار بنویسم.

چه خوب می‌شد اگر شعرهای کودک و نوجوان در باره مادری و همسری، به قدری زیاد بود که می‌شد چند شب یک بار، یکی از آن شعرها را برای دخترانمان بخوانیم.

-بذار همین جا به نکته بگم که فکر می‌کنم اگه در باره‌ش حرف
زننی، بحث خیلی ناقص می‌مونه.

- در خدمتتم، بفرمایید.
- شاید خیلی از دخترارو بشه در باره نقش مادری و همسری قانع کرد؛ اما دو تا مسئله به شدت، تو ذهن خیلی از دخترارو پرننگه که نمی شه بهشون بی اعتنا بود.
- چه مسئله هایی؟
- یکی این که امروز، دخترارو باور کردن که همسر و مادر موفق یعنی همسر و مادر تحصیل کرده. خواهش می کنم از کنار این رد نشو. قبول کن که مسئله مهمیه. خواهش کردم.
- مگه من می خوام رد بشم که این جواری خواهش می کنی؟ حالا دومیش رو بگو.
- دومیش ب نمونه برای بعد از این که اولی رو جواب دادی.
- این جا جواب بدم یا برم توی متن کتاب؟
- هر جور صلاح می دونی.

دلایل طرفداران ضرورت تحصیل در مادری و همسری موفق

یکی از باورهای که امروز در ذهن مادران و پدران و به تبع آنها در ذهن دخترانشان تثبیت شده، این است: مادر موفق یعنی مادر تحصیل کرده.

ما ابتدا باید به عنوان والدین در باره این باور به نتیجه برسیم و پس از آن به صورت منطقی با دخترمان در باره آن صحبت کنیم. البته وقتی به نتیجه رسیدیم، باید حواسمان را جمع کنیم تا در گزاره های تصویری بر خلاف نتیجه ای که رسیدیم، عمل نکنیم. برای این باور که «مادر موفق یعنی مادر تحصیل کرده»، چند

دلیل عمده وجود دارد. ابتدا این دلیل‌ها را از نظر می‌گذرانیم و پس از آن، به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم.

یک. زن تحصیل‌کرده، جامعه را بهتر می‌شناسد. پس در همسر داری و تربیت فرزندانش، بهتر عمل می‌کند.

دو. زن تحصیل‌کرده، سواد بیشتری دارد. پس در همسر داری و تربیت فرزندان خود، موفق‌تر عمل می‌کند.

سه. زن تحصیل‌کرده، تکیه‌گاه محکم‌تری برای همسر و فرزندان خود در جامعه امروز است؛ زیرا مردم به خانواده‌ای که مادر آن تحصیل‌کرده است، نگاه بهتری دارند.

چهار. بچه‌ها از مادران تحصیل‌کرده، حرف‌شنوی بیشتری دارند؛ زیرا تحصیل، بخش مهمی از شخصیت مادر را در نگاه فرزندان می‌سازد. این مسئله وقتی بیشتر خودش را نشان می‌دهد که میزان تحصیل فرزندان از مادر بیشتر می‌شود. مردان هم به زنان تحصیل‌کرده نگاه محترمانه‌تری دارند.

پنج. دختران تحصیل‌کرده، اعتماد به نفس بیشتری برای تشکیل خانواده و مادری دارند.

• | پیش‌نیازهای مادری و همسری موفق

قبل از نقد و بررسی این دلیل‌ها، بهتر است به یک سؤال پاسخ دهیم که در تحلیل تک‌تک این موارد می‌تواند راه‌گشا و مؤثر باشد: ایفای صحیح نقش همسری و مادری، به چه چیزهایی نیاز دارد؟ ایمان، آگاهی، زمان و حوصله، چهار عنصر اساسی برای موفقیت در مسیر همسری و مادری هستند.

ایمان، حاصل تفسیر معنوی ما از دنیاست که در کتاب دوازدهم در باره آن نوشتیم و در قسمت‌های بعدی همین کتاب هم در باره آن سخن خواهیم گفت. زن باید به تصویری که خالق هستی از عالم نشان می‌دهد، ایمان داشته باشد و جایگاه خود را در همین تصویر بیابد.

مقصود ما از «ایمان»، باوری است که به درون انسان نفوذ کرده و قلب او را به تسخیر خویش درآورده است. زن با هر اندازه از اطلاعات، بدون وجود این ایمان، در مسیر همسری و مادری، موفقیتی نخواهد داشت.

مقصود ما از «آگاهی»، آشنایی با مهارت‌های همسررداری و مادری است؛ مهارت‌هایی بر پایه آنچه خالق انسان از روابط میان اعضای خانواده تعریف کرده است.

بدون صرف «زمان» نمی‌شود از عهده وظایف مادری و همسری برآمد. میزان زمانی که صرف هر چیزی می‌شود، باید متناسب با خودش تعریف شود. ممکن است یک مقدار مشخص از زمان، برای کاری زیاد باشد و همان مقدار زمان برای کار دیگر، بسیار کم. چند دقیقه زمان برای پختن نیمرو کافی است؛ اما همین مقدار از زمان، برای پختن آب‌گوشت چیزی به حساب نمی‌آید.

زن و مادر، مدیر داخلی نهادی به نام «خانواده» اند که هم وظیفه تزریق عاطفه و هم مدیریت اجرایی تربیت را بر عهده دارند. این وظیفه بزرگ، چه قدر زمان لازم دارد؟

«حوصله»، سرمایه بزرگی برای همسری و مادری است. انجام وظایف زنانه در خانه، بدون داشتن حوصله کافی ممکن نیست؛

اما نباید فراموش کرد که بخش زیادی از حوصله، حاصل ایمان و آگاهی است.

زنی که به تفسیر معنوی از عالم رسیده و با انجام وظایف زنانه در خانه، احساس رشد و پیشرفت می‌کند، حوصله‌اش سر نمی‌رود و انگیزه کافی برای انجام کارهای همسرانه و مادرانه دارد. کسی هم که از ظرافت‌های همسری و مادری خبر دارد و می‌داند که با به کارگیری این ظرافت‌ها و مهارت‌ها چه اتفاق‌های مبارکی در محیط خانه می‌افتد، حوصله کافی برای همسری و مادری پیدا می‌کند.^۱

حالا با همین پاسخ کوتاه به یک سؤال بسیار مهم، می‌خواهیم به سراغ نقد پنج دلیلی برویم که برای باور به «مادر موفق یعنی مادر تحصیل کرده» برشمردیم.

- بذار قبل از این که شلیکت رو شروع کنی، یه سؤال بپرسم.

- بپرس.

- تو با تحصیل خانوما مشکل داری؟

...

- چرا به جای جواب دادن، داری این طوری نگام می‌کنی؟ مگه

سؤال بدی پرسیدم؟

- نه، سؤالت بد نبود؛ اما دارم فکر می‌کنم به این که چه جوری

جواب بدم.

- چه قدر باید منتظر بمونم که فکر کنی؟

۱. در بخش اول از کتاب اول همین مجموعه با نام جوجه‌های رنگی، بچه‌های

فرنگی در باره آگاهی، زمان و حوصله سخن گفته‌ایم.

مادری! می‌خواهیم دخترانمان را مهینا کنیم تا مدالی را که منقش به نام توست، بر گردنشان بیاویزند و بر همهٔ عالم فخر بفروشند. تقصیر ما بود که دخترانمان تو را فراموش کردند و در پستوی ذهنشان تنهایت گذاشتند. نه جای کتمان مانده و نه جای انکار که ما در تربیت دخترانمان، دچار غفلت بزرگی شدیم. اقرار می‌کنیم، به این امید که خدا این غفلت را بر ما ببخشد.

تو مظهر مهر و محبت خدای جهانیانی. درست می‌گویم؟ خودت گفتی اهل کینه نیستی. هستی؟ و میانه‌ای با سرزنش نداری. داری؟ پس بیا و از حق خویش بگذر و دعایمان کن. ما برای بازگشت به سوی تو و جبران آنچه از دست داده‌ایم، محتاج دعای خیریم. دعای خیر چه کسی گیراتر از توست، مادری!؟

خوشحال می‌شویم کتاب‌های
دیگرمان را هم ببینید.
ketabefetrat.com



ISBN:978-600-8031-78-9



9

786008

031789

ناشر شایسته تقدیر

در بیستمین دوره کتاب سال حوزه



انشارات آیین فطرت